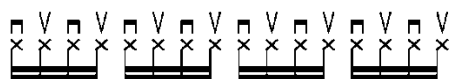


اصول ریتم نوازی با گیتار

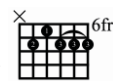
از یک نوازنده گیتار در دنیای واقعی موزیک انتظار می رود که تقریباً ۹۰٪ مواقع مشغول ریتم نوازی باشد و از ۱۰٪ باقی، ۷٪ ساکت بماند و شاید در ۳٪ دیگر موارد، ملودی یا سولو بنوازد! اما ما گیتارنوازان در تمرین های شخصی خودمان بخش اعظم را به ملودی نوازی اختصاص می دهیم! به هر حال برای این که یک ریتم گیتاریست توانا باشیم باید ساختار ریتم را خوب بلد باشیم. این مقاله به شما کمک می کند تا تعاریف بنیادی ریتمیک را بهتر بشناسید و ذهنتان برای شمارش انواع ساختارهای ریتمیک آماده شود. تسلط روی این موارد نه تنها به شما توانایی ریتم نوازی در انواع سبک های مختلف را می دهد، بلکه در حفظ Timing و Groove هنگام ملودی زدن هم به شما کمک می کند.

مضرب زدن روی ریتم های دولانچنگ

در یک میزان چهار چهارم ۱۶ نت دولانچنگ موجود است که برای نواختن آنها مدام مضرب های پایین (♩) و بالا (V) می زنیم. باید دقت کنیم که حرکت دست ما در نواختن چنین ریتم هایی کلاً از ساعت انجام می شود، یعنی دست ما از مفصل آرنج باز و بسته می شود، نه از مچ (مچ کاملاً ثابت نگه داشته می شود).



در ابتدا می توانیم این تمرین را روی سیم های خفه (Muffled) انجام بدهیم. توصیه شخصی من این است که در این فرم ریتم نوازی مضرب را کمی شل نگه داریم تا صدای برخورد مداوم آن با سیم ها کمی نرم تر شود و فراموش نکنید که استفاده از مترونوم در این مقوله ضروری است.



حالا یک آکورد E9 () را به عنوان مثال در نظر بگیرید. اگر فرض کنیم که ارزش زمانی این آکورد یک دولانچنگ است در بستر ریتمیک بالا ۱۶ نقطه برای قرار گرفتن آن وجود دارد. مطلب مهم این است که وارد شدن آکورد (نسبت به نت های Muffled) هیچ تغییری در حرکت دست راست ما ایجاد نمی کند. باید این گونه فکر کنیم که دست راستمان به حرکت خود ادامه می دهد و آن جایی از میزان که به آکورد مورد نظر می رسیم دست چپ با فشار آوردن روی فرت ها اجازه تولید صدا را می دهد و بلافاصله با شل کردن دست چپ دوباره صداهای خفه (Muffled) ادامه پیدا می کند.

سیستم ریتمیک

شاید بتوان گفت تمام ریتم های Straight به نوعی در این بستر ریتمیک قرار می گیرند. باید این گونه فکر کنیم که وجود آکورد در هر کدام از دولاچنگ های میزان به عنوان آکسان فرض می شود. برای درک این مطلب نیاز است حالت های مختلف وارد شدن آکسان ها را در بستر ریتمیک در نظر بگیریم. ابتدا به بررسی یک ضرب مشتمل ۴ دولاچنگ متمرکز می شویم. اگر در این ضرب تنها یکی از دولاچنگ ها را به عنوان آکسان در نظر بگیریم چهار حالت زیر را خواهیم داشت:



و حال فرض می کنیم دو تا از دولاچنگ ها در یک ضرب آکسان داشته باشند که در این صورت حالت های زیر پدید می آیند:



و اگر سه دولاچنگ را با آکسان در نظر بگیریم حالت های زیر را داریم:



تنها حالت های باقی می شوند:



هرکدام از موارد جدول بالا به عنوان یک "عبارت ریتمیک" شناخته می شوند. برای تمرین روی مقوله بالا ابتدا سعی کنید تک تک موارد را در قالب های یک میزانی بنوازید (یعنی هرکدام چهار بار به ازای یک میزان) و بعد فرم های A تا P را، هرکدام یک میزان پشت سرهم بنوازید. ابتدا از تمپوهای پایین تر (مثلاً ۶۰) شروع کنید و هر دور که بدون اشکال تمرین را تمام کردید ۵ شماره تمپو را زیاد کنید.

از ترکیب کردن این عبارات ریتمیک (A-P) تعداد بی شماری ریتم متفاوت حاصل می شود که نمونه آنها را در انواع سبک های موزیک می شنویم، اما برای ساختن ریتم ها احتیاج به یک نگرش دیگر روی این بستر داریم که به آن الگوی شمارشی می گوییم.

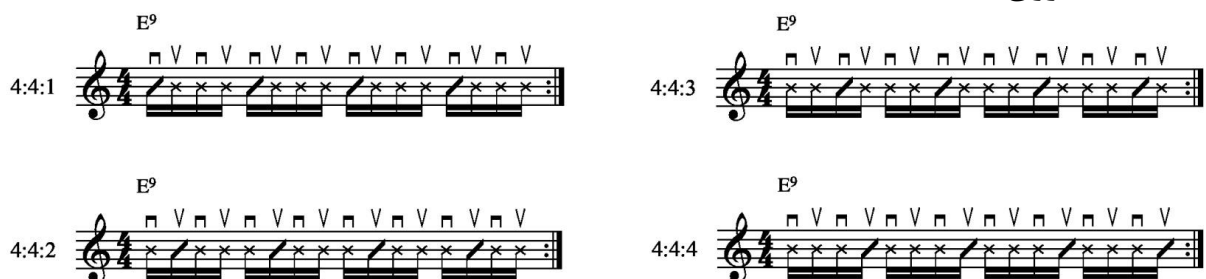
الگوهای شمارشی

اگر عبارت A را در فرم یک میزانی در نظر بگیریم می بینیم که ۱۶ دولاچنگ این میزان در واقع به چهار دسته چهارتایی تقسیم شده اند. یعنی ریتم ما از هر آکسان تا آکسان بعدی ۴ تا دولاچنگ را در بر می گیرد. از آنجا که در این بستر هر ضرب به چهار دولاچنگ تقسیم شده است به این ریتم اصطلاحاً ۴ روی ۴ می گوییم و به صورت نمایش می دهیم: 4:4 و چون اولین آکسان روی دولاچنگ اول قرار گرفته آنرا به صورت 4:4:1 نام گذاری می کنیم.

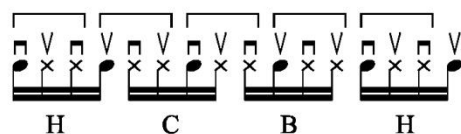
حالا الگوی B را در فرم یک میزانی در نظر بگیرید. در این حالت دورهای ۴ تایی روی بستر ۴ بخشی (دولاچنگ) وجود دارد، اما اولین آکسان روی دومین دولاچنگ است. پس به صورت 4:4:2 اسم گذاری می شود. به این مقوله اصطلاحاً جایگشت ریتمیک (Permutation) می گویند. یعنی به این مثال اخیر می گوییم ریتم ۴ روی ۴ جایگشت دوم.

حال اگر الگوهای C و D را در فرم یک میزانی در نظر بگیریم به جایگشت های سوم و چهارم ریتم ۴ روی ۴ می رسم.

۴ روی ۴ (۱)



حالا می خواهیم وضعیتی را در نظر بگیریم که دورهای سه تایی روی بستر چهار بخشی تشکیل می شوند. اگر به ترتیب عبارات B, C, H و دوباره H را در یک میزان پشت سر هم قرار دهیم کل میزان به دسته های سه تایی از دولاچنگ ها تقسیم می شود، البته که در انتهای میزان یک آکسان تنها که باید شروع کننده ششمین دسته سه تایی باشد باقی می ماند. (چون سه پنج تا می شود ۱۵ تا!!)



به این ساختار ریتیمیک می‌گوییم ۳ روی ۴ و جایگشت‌های آنرا در مثال‌های پایین می‌بینیم:

(۲) ۳ روی ۴

E⁹

3:4:1

[illegible]

E⁹

3:4:3

The image shows a musical staff with a treble clef and a 3:4:3 time signature. The staff contains a sequence of notes and rests, with a double bar line at the end. Above the staff, the text 'E⁹' is written. The notes are represented by 'x' marks on the staff lines, and there are vertical lines indicating the duration of each note. The sequence consists of 12 notes, each followed by a rest, creating a rhythmic pattern.

برای ساده تر شدن شمارش در این مثال می توانید از یک واژه ۳ هجایی استفاده کنید مثل Radio (Ra'di'o)

(۳) دسته بندی دیگری که باید بشناسیم ساختار ۵ روی ۴ است که جایگشت های آن را در مثال های پایین می بینیم:

E⁹

5:4:1

E⁹

5:4:2

E⁹

5:4:3

E⁹

5:4:4

E⁹

5:4:5

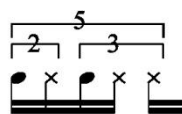
در این مورد هم یک واژه ۵ هجاییه شمارش ریتم ها کمک می کند مثل University

(۴) اگر در ساختار ۳ روی ۴ آکسان ها را یکی در میان بزنیم به یک ساختار جدید به نام ۶ روی ۴ می رسیم.

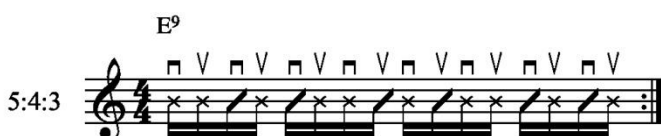
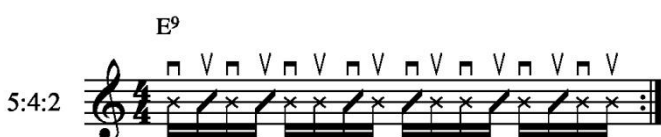
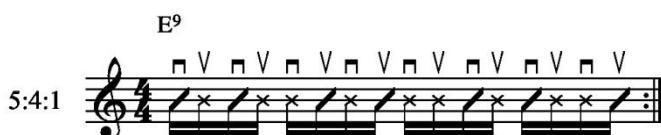


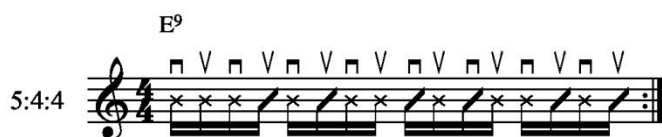
مطلب قابل توجه در مثال های بالا این است که در ساختارهایی که صورت زوج دارند مثل ۴ و ۶ ، همه آکسان ها با مضرب های هم جهت نواخته می شوند. حال آن که در ساختارهای فرد مثل ۳ یا ۵ ، مضرب ها یکی در میان پایین و بالا (یا بالا و پایین) نواخته می شوند. این مطلب در نواختن این مثال ها کمک شایانی می کند.

(۵) در مرحله بعد می خواهیم دسته های ۵ تایی را توسط دو بخش نامساوی ۲ و ۳ تولید کنیم.

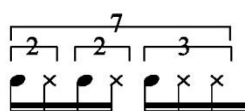


جایگشت های آن نیز مثل تمرین ۳ خواهد بود.

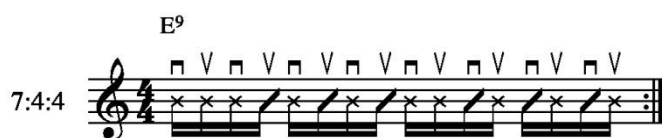
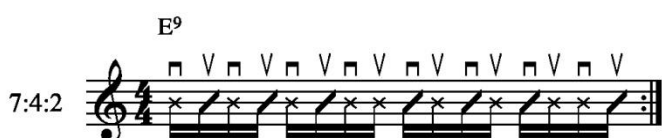
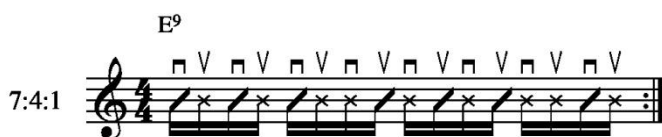




۶) با ساختاری مشابه می توان دسته های ۷ تایی تولید کرد.



به عنوان مثال پنج جایگشت این ساختار را در زیر می بینیم.



یک جمله ۷ هجایی برای شمارش راحت تر: Listen to the radio

اضافه کردن تکنیک های اجرایی به ساختارهای ریتمیک

برای این که از ساختارهای ریتمیک صفحات قبل استفاده بهتری داشته باشیم نیاز است چند تکنیک را به این مقوله اضافه کنیم.

۱) استفاده از نت های کشیده: در واقع در این نوع ریتم نوازی هیچ محدودیتی برای به کارگیری ارزش های زمانی بیشتر از دولاچنگ وجود ندارد. تنها مطلب مهم این است که دست راست ما دولاچنگ ها را مدام بشمارد و به حرکت خود (حتی در هوا) ادامه دهد. به مثال زیر دقت کنید:

G⁹

G⁹

۲) وارد کردن سکوت‌ها: به همین ترتیب با ثابت نگه داشتن حرکت دست راست می‌توانیم به جای نت‌های خفه (Muffled) سکوت‌ها را وارد ریتم کنیم. مثال زیر:

G⁹

G⁹

۳) اضافه کردن نت بم (Bass Note) آکورد به نت های خفه (Muffled): این مثال یک ساختار 5:4:2 است که به جای نت های خفه آن (Muffled)، نت های بم (Bass Note) همراه با نت های خفه (Muffled) سیم های دیگر گذاشته شده اند.

The musical score consists of two staves. The top staff is a treble clef with a key signature of one sharp (F#) and a time signature of 4/4. It contains a melody with various chords indicated by letters above the notes: Em7, V, D, and Em7. The bottom staff is a guitar tablature with six strings labeled T, A, B from left to right. It shows fret numbers and rhythm flags corresponding to the melody above.

۴) استفاده از نت های گرفته (Mute) به جای نت های خفه (Muffled): این نوع استفاده از ساختارهای ریتمیک بیشتر در بک های راک و متال دیده می شود. دقت کنید که در این حالت حرکات دست راست ما دیگر از ساعد نخواهد بود، بلکه کلاً از حرکت میچ استفاده می شود.



در خاتمه برای استفاده از این ساختارها در سبک های مختلف موزیک چند مثال می بینیم.

Ex.01 Rock / Metal



Ex.02 Country / Rock



Ex.03 Pop / Rock

Em⁷ E⁷(sus⁴) D Em⁷ C C⁶ Bm⁷ Em⁷

5:4:3 5:4:2

Ex.04 Pop / Rock

7:4:3 7:4:2

Ex.05 Blues

6:4:1

E⁷ A⁹

Ex.06 Reggae

4:4:3

Gm7 3fr

Dm 5fr

Cm7 3fr

Ex.07 Latin

Dmaj9 4fr

Em9 5fr

Bm11 5fr

A13 5fr

5:4:3

Ex.08 Funk

C7 8fr

Ex.09 Funk

C#9 3fr

D9 4fr

Am9 5fr